نقد و بررسی تطبیقی لیلی و مجنون نظامی و مثالی کاشانی

بهاره ظریف عمارت‌ساز[۱]

مهدی نوروز[۲]

چکیده

قبولی و شهرتی که بهرهٔ پنج‌گنج نظامی گشته، در دوره‌های پسین به ویژه از قرن نهم به بعد سبب رواج نظیره‌گویی در زمینهٔ خلق منظومه‌های داستانی شد.یکی از نظیره‌هایی که در قرن نهم به پیروی از نظامی به وجود آمد، منظومه‌ای تحت عنوان «لیلی و مجنون» از شاعری به نام «مثالی کاشانی»است. در این نوشتار ضمن معرّفی مثالی کاشانی، به مقایسهٔ اجمالی منظومهٔ لیلی و مجنون وی با لیلی و مجنون نظامی به‌لحاظ ویژگی‌های زبانی، دستوری، ساختاری و همچنین بیان وجوه اشتراک و افتراق دو داستان، پرداخته می‌شود. مثالی در خلق داستان به نظامی توجّه داشته و فضای تقلیدی اثر- چه در لفظ و ساختار و چه در بافت داستان- در جای‌جای منظومه به‌چشم می‌خورد.او علاوه بر نظامی، در بخش‌هایی از داستان، به روایت جامی از لیلی و مجنون نظر داشته است.

کلید واژه‌ها:

نظیره‌گویی، لیلی و مجنون، نظامی گنجوی، مثالی کاشانی، نقد و بررسی.

[۱] - دانشجوی دکتری زبان و ادبیّات فارسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی ، نیشابور – ایران (نویسندهٔ مسؤول)

[۲] - گروه زبان و ادبیّات فارسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی ، نیشابور – ایران

تاریخ وصول: ۹۴/۰۶/۲۲ تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۰/۱۶

Archive of SID

www.SID.ir

مقدّمه

یکی از شیوه‌های شعری که در دوره‌های گوناگون شعر فارسی به صورت گسترده رواج پیدا کرد، نظیره‌گویی است. آنچه در نظیره‌گویی اهمّیّت دارد «تحقیق دربارهٔ کیفیّت و میزان نفوذ وتأثیر آثار ادبی مشهور در معاصران یا گذشتگان است» (ذوالفقاری،۱۳۹۲:۳۰). عوامل مختلفی چون شهرت، گیرایی و اصالت یک اثر، حوادث سیاسی، اجتماعی و معنوی، عواطف و احساسات خوانندگان، قبول عامّ اثر و پیروی از برخی سنّت‌های ادبی موجب رواج تقلید و نظیره‌گویی می گردد (همان:۳۱).

«نظامی گنجه‌ای»، بزرگ‌ترین شاعری است که به دلیل موفقیّت مثنوی‌هایش مسبّب رواج شیوهٔ تقلید و نظیره‌گویی در زبان فارسی گشت. او به عنوان آغازگر سرایش مثنوی‌های پنج‌گانه در ادب فارسی، چندان شهرت و مقبولیّتی یافت، که «اگر او را مخترع واقعی «آیین قصّه‌سرایی» در شعر فارسی بنامیم چندان راه به مبالغه نبرده‌ایم» (زرّین‌کوب، ۱۳۷۲: ۲٤٥). شیوه‌ای که «علی اکبرشهابی»، در کتاب «نظامی، شاعر داستان‌سرا» از آن با عنوان «مکتب نظامی»یاد می‌کند (شهابی،بی‌تا:۵۵). در ادوار بعد از نظامی، این نوآوری وی با استقبال چشم‌گیری روبه‌رو شد. به ویژه از قرن نهم به بعد گرایش به داستان‌سرایی به شیوهٔ استاد گنجه به طرز گسترده‌ای باب شد؛ به‌گونه‌ای که به‌گفتهٔ خزانه‌دارلو «نضج حرکت به سوی منظومه‌سرایی در قرن نهم و توسعهٔ آن از قرن دهم تا دوازدهم است» (خزانه‌دارلو،۱۳۷۵ :۱۲). عدّه‌ای به پیروی از نظامی اقدام به سرودن خمسه کردند. گروهی حتّی پا را از این فراتر گذاشته و در سرودن سبعه طبع‌آزمایی کردند و عدّه‌ای دیگر تنها به نظم یک یا دو منظومه به شیوهٔ نظامی بسنده کردند. برخی از این شعرا چون جامی و مکتبی از توفیق بیشتری برخوردار بوده و آثارشان در درجهٔ اوّل اهمّیّت قرار گرفت و عدّه‌ای دیگر در این راه با اقبال کمتری روبه‌رو شدند. «یان ریپکا» در این‌باره می‌نویسد: «در دورهٔ تیموری مجموعه‌ای کامل از شاعران بودند که کوشیدند با سرودن خمسه روشناس شوند، امّا کمتر توانستند بیش از یک یا دو مثنوی بسرایند.این‌که شمار بسیار اندکی از این مثنوی‌ها به دست مانده- و بیشتر در یک نسخه تنها- بی‌گمان نمایشگر ناتوانی این شاعران است» (ریپکا،۱۳۸۳: ۵۱۱).

Archive of SID

www.SID.ir

یکی از داستان‌هایی که در بین متأخّران نظامی با استقبال گسترده‌ای روبه‌رو شد، داستان «لیلی و مجنون» بود.«ابوالقاسم رادفر» در مجموع از ٦٦ منظومه نام می‌برد که به مقابله با لیلی و مجنون سروده شده‌اند؛ چه به زبان فارسی و چه به زبان‌های ترکی،اردو و... (رادفر،۱۳۷۱:۲۱٦– ۲۲۲). خزانه دارلو نیز، نظیره‌های منظوم داستان لیلی و مجنون را به زبان فارسی ٤١ منظومه ذکر می‌کند (خزانه‌دارلو،۱۳۷۵:۳۵). از داستان لیلی و مجنون به عنوان داستانی تراژیک یاد شده؛ چرا که بسیاری از ویژگی‌های این گونه داستانی را در خود دارد (رزمجو،۱۳۷۲: ٤٩). ذوالفقاری در مقدمهٔ «لیلی و مجنون مکتبی شیرازی» علّت استقبال گسترده از این داستان را «جاذبه‌های داستانی لیلی و مجنون و سادگی آن» می‌داند (مکتبی شیرازی،۱۳۸۹:٤٧).

یکی از شعرایی که به منظومه‌سرایی به شیوهٔ نظامی اقدام کرده،شاعری کم نام و نشان،به‌نام «مثالی کاشانی» است که داستان «لیلی و مجنون» را به شیوه و بر وزن لیلی و مجنون نظامی به نظم کشیده است.مثالی کاشانی از شعرای قرن نهم و دهم هجری بوده است.دربارهٔ زمان دقیق ولادت،زندگی و وفات وی اطلاعی در دست نیست. همهٔ اطّلاعی که از مثالی موجود است محدود به چند تذکره است،از جمله:تحفهٔ سامی، مجالس النفائس و... .«خیّام‌پور» در فرهنگ سخنوران او را از شاعران قرن دهم می‌داند (خیّام‌پور،۱۳۹۳: ۷۹۸). «صفا» نیز، وی را از شاعران قرن نهم دانسته‌است (صفا،۱۳٦٤ :٤٦۲). ذوالفقاری، در کتاب «یک‌صد منظومهٔ عاشقانهٔ فارسی» اشاره می‌کند که وی تا سال ۹۹٦ در قید حیات بوده است (ذوالفقاری،۱۳۹۲ :۷۱۷).

مثالی، در ترجمهٔ «حکیم شاه محمّد قزوینی» از مجالس النفائس، «کسی بی‌مثال و بی‌همال و جامع فنون کمال» توصیف شده است (نوایی،۱۳٦۳ :۳۹۵). «سام‌میرزا» در تحفهٔ سامی در باب او می‌گوید:«طبعش بلند بود،چنانکه می‌خواست جواب خمسه گوید، امّا به اتمام آن توفیق نیافت» (سام‌میرزا صفوی،بی‌تا،۲۹۹). «داغستانی» نیز،در تذکرهٔ ریاض‌الشّعرا تنها به نقل مطلع غزلی از وی کفایت کرده است:

مده ای خضر فریبم به حیات جاودانی من و خاک آستانش تو و آب زندگانی

(داغستانی،۱۳۸٤: ۲۰۵۵)

Archive of SID

www.SID.ir

«بلیانی» در تذکرهٔ عرفات‌العاشقین، مثالی را از شاگردان محتشم کاشانی می‌داند که با آن‌که در فن سخنوری قدرتی نداشته، امّا ابیات خوبی از او سرزده است و علاوه بر مطلع فوق دو مطلع دیگر را نیز به اومنسوب می‌دارد؛اما، اشاره‌ای به منظومهٔ لیلی و مجنون وی نمی‌کند (بلیانی،۱۳۸۸:۳۵۷٤). گفتهٔ بلیانی صحیح به‌نظر نمی‌رسد و ظاهراً وی شخص دیگری را با نام و لقب مشابه منظور نظر داشته است. به ویژه اینکه عدم انتساب منظومهٔ لیلی و مجنون در عرفات‌العاشقین به مثالی،که در دیگر کتب تذکره با قطع و یقین به وی نسبت داده شده است، این احتمال را تقویت می‌نماید.

سبب و انگیزهٔ مثالی از سرایش لیلی و مجنون

مثالی در ابتدای منظومه،انگیزهٔ خود را از سرایش داستان لیلی ومجنون در قالب خوابی بیان می‌کند که این خواب،خود داستانی دارد و خلاصهٔ آن چنین است که حافظ با دادن جامی به شاعر که معجونی از«بادهٔ صافی الهی»،«آیینهٔ جمال شاهی» و «جام جهان‌نمای» است، او را تشویق به سرودن لیلی و مجنون می‌کند. به‌این اعتبار، مثالی با مدد جستن از خداوند قدم در راه سرایش لیلی و مجنون می‌نهد:

گردیده ولی در این طریقم — توفیق یکی خدا رفیقم
زد خرگه من به منزل ماه — بنمود به گنج دانشم راه
بی‌جور و جفا و محنت و رنج — بگشاد به چهره‌ام در گنج
(مثالی،۸۹۸ :۲۱۷)

مثالی، منظومهٔ لیلی و مجنون را در ۳۲۲۰ بیت و بر وزن لیلی و مجنون نظامی(مفعولُ مَفاعلن فَعولن:هزج مسدس اخرب مکفوف محذوف)سروده است. تاریخ اتمام سرایش اثر به باور صفا و خزانه‌دارلو،۸۹۷ هجری است (صفا،۱۳٦٤: ٤٦۳ و خزانه‌دارلو،۱۳۷۵: ٤۸). خود شاعر در پایان منظومه به حساب ابجد این تاریخ را آورده است:

چون گشت تمام شد ز یزدان — تاریخ ضیای دیدهٔ جان
(همان)

Archive of SID

www.SID.ir

از این اثر تنها یک نسخه برجای است که در کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی، به شماره ۱۱۷۱ نگهداری می‌شود و در نوشتهٔ حاضر به ابیات همین نسخه استناد شده است.این نسخه، دارای ۲۱۹ صفحه و هر صفحه شامل ۱۵ بیت می‌باشد. تاریخ کتابت نسخه ۹۰٤ هجری قمری است و ظاهراً نگارش آن به قلم خود مؤلّف صورت گرفته؛ زیرا در پایان کتاب آمده است: «سوده العبد مثالی الکاشانی فی منتصف شهر رمضان المبارک سنه اربع و تسعمایه هجریه» (همان:۲۱۹).

لیلی و مجنون مثالی در سطوح گوناگون،همانندی‌های زیادی با لیلی و مجنون نظامی دارد؛از این‌رو،در این جستار،این دو منظومه به‌لحاظ سبک‌شناختی در حوزه‌های زبانی،دستوری و فکری مورد نقد و بررسی قرار گرفته‌اند.

مقایسهٔ منظومه لیلی و مجنون نظامی گنجوی و مثالی کاشانی

آغاز منظومه

منظومهٔ مثالی مانند سایر مثنوی‌های زبان فارسی با ستایش خداوند آغاز می‌شود و با نعت پیغمبر اکرم(ص) و صفت معراج ادامه می‌یابد و به مدح پادشاه می‌رسد. همان‌گونه که می‌دانیم نظامی،لیلی و مجنون را به درخواست ابوالمظفّر اخستان بن منوچهر سرود که خود «فردی ادیب،سخن‌دان و شعرشناس بوده و با ادب عربی هم،که داستان لیلی و مجنون بخشی از آن محسوب می‌شود آشنایی داشته است» (زرّین‌کوب،۱۳۷۲: ۱۱۲). مثالی نیز، هم در ابتدای منظومه و هم در بخشی از میانهٔ داستان پادشاهی را مدح می‌کند، اما نام و نشان این پادشاه مشخص و روشن نیست و عنوان این بخش در نسخه افتادگی دارد. پس از آن، بخش‌هایی تحت عنوان«درخطاب زمین‌بوس»، «درحقّ خویش و بعضی در شکایت منکران»، «در نصیحت»، «گفتار در روش و آداب» آورده است.بخش آخر ساقی‌نامه است ودر بیان بی‌وفایی دنیا و ارزش وجودی آدمی و عزیز شمردن گوهر وجودی خود. مثالی در ادامهٔ ساقی‌نامه حکایت دزدی را می‌آورد که شب‌هنگام به بارگاه قیصر می‌گذرد و از طمع خویش جام زهری می‌نوشد و هلاک می‌گردد. این داستان در منظومهٔ نظامی وجود ندارد و از نوآوری‌های شاعر محسوب می‌شود. نظامی در ساقی‌نامهٔ خود به موضوعاتی از قبیل : پند واندرز، کم گویی،یادکردن از همدمان رفته و همدمی

Archive of SID

www.SID.ir

با دیگران، فراموشی از پیکر و جسم، فراموشی از سرافرازی، فراموشی از عمر رفته، به‌ترک فروتنی و افتادگی گفتن،خرسندی و قناعت، ترک خدمت پادشاهان اشاره کرده است.

مثالی، منظومهٔ لیلی و مجنون را به شیوهٔداستان لیلی و مجنون نظامی سروده است و فضای حاکم بر داستان و چارچوب کلّی آن، عاریتی بودن اثر را نشان می‌دهد که به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌گردد:

- در بخش نعت مهتر پیامبران محمّد آخرالزّمان

سر خیل تویی و جمله خیلند — مقصود تویی همه طفیلند

(نظامی، ۱۳۸۸، الف:۱۰)

به‌بود تویی درین میانه — مقصود تویی دگر بهانه

سرخیلی و انبیاست خیلت — شد دنیی و آخرت طفیلت

(مثالی، ۸۹۸ : ۷-٦)

این تأثیرپذیری از نظامی تنها به بخش‌های آغازین منظومه منحصر نمی‌شود،بلکه در خلال بخش‌های اصلی داستان نیز به چشم می‌خورد.

- در ستایش کم‌گویی

کم گوی و گزیده گوی چون دُر — تا ز اندک تو جهان شود پُر

(نظامی،۱۳۸۸، الف:٤١)

کم گوی مثالی و نکو گوی — دفتر ز حدیث بد فرو شوی

(مثالی،۸۹۸ :٣٤)

- در صفت زیبایی مجنون پس از تولّد

از مه چو دوهفته بود رفته — شد ماه دوهفته بر دو هفته

(نظامی،۱۳۸۸، الف:۵۲)

یک‌هفته چو رفت از هلالش — چون ماه دوهفته شد جمالش

(مثالی،۸۹۸ :٤٤)

Archive of SID

www.SID.ir

- در توصیف احوال و زیبایی لیلی

نـــا سُـــفته دُری و دُر همـــی سُـــفت چون خـود همـه بیـت بکـر مـی‌گفـت
(نظامی،۱۳۸۸، الف:۸٤)

هـــردم غزلـــی چـــو نظـــم گـــوهر آن دُرّ نسُـــــفته سُـــــفتی از بـــــر
(مثالی،۸۹۸ :۷٦)

- توصیف ابن سلام از زبان دو شاعر

شـــخص هنـــری بـــه ســـنگ و ســـایه در چشـــم عـــــرب بلنـــــدپایـــــه
بســـــــیار قبیلـــــه و قرابـــــات کـــارش همـــه خـــدمت و مراعـــات
گـــوش همـــه خلـــق بـــر ســـلامش بخـــت ابـــن‌ســـلام کـــرده نـــامش
(نظامی،۱۳۸۸، الف:۸۹)

شخصـــی چـــو فلـــک بلنـــدپایـــه اهـــل عـــربش بـــه‌زیـــر ســـایه
هـــم خســـروی عـــرب بـــه کـــامش هـــم ابـــن‌ســـلام بـــود نـــامش
(مثالی،۸۹۸ :۸۷)

بررسی بافت داستان و سیر حوادث در دو منظومه

۱ - آشنایی لیلی و مجنون در مکتب:

آشنایی لیلی و مجنون با یکدیگر و داستان عشق‌ورزی آنان در مکتب، در هر دو منظومه یکسان است، با این تفاوت که در منظومهٔ نظامی رفتن مجنون به مکتب در ده سالگی نقـل شـده است و در داستان مثالی در نُه سالگی.

کـــز هفـــت بـــه ده رســـید ســـالش افســـانهٔ خلـــق شـــد جمـــالش
هـــرکس کـــه رخـــش ز دور دیـــدی بـــادی ز دعـــا بـــر او دمیـــدی
شـــد چشـــم پـــدر بـــه‌روی او شـــاد از خانـــه بـــه مکتـــبش فرســـتاد
(نظامی،۱۳۸۸، الف:۵۳)

Archive of SID

www.SID.ir

در سال نهم به حسن مَه شد — وز مِهر رخش یکی به ده شد...
خرّم پدر از جمال فرزند — وز راه درست گشته خرسند
کردش همه آرزو مرتب — وانگه بردش به‌سوی مکتب
(مثالی،۸۹۸ :٤٥)

۲ -آشکار شدن عشق لیلی و مجنون:

یکی از بخش‌های آغازین داستان مثالی که در منظومهٔ نظامی دیده نمی‌شود، آگاهی یافتن مادر لیلی از عشق میان آن دو و تلاش وی برای بازداشتن لیلی از ادامهٔ این راه است. نظامی در این قسمت از داستان، تنها به ذکر این مطلب که ماجرای دلدادگی لیلی و مجنون دهان به دهان می‌گردد و این امر سبب دوری آن‌ها از یکدیگر می‌شود اکتفا می‌کند، امّا در منظومهٔ مثالی پس از گذشت یک سال از عشق‌ورزی لیلی و مجنون، ماجرای دلدادگی آن‌دو نُقل دهان‌ها می‌شود و خبر به مادر لیلی می‌رسد:

کای شوخ بریده مو خمیدم — تا در حقت این سخن شنیدم
گفتند فلان امیرزاده — جان در ره مِهر تو نهاده
تو نیز چو بیدلان حیران — دل داده به مِهر او دو چندان
افسوس که گشت نام ما ننگ — آمد به سبوی بخت ما ، سنگ
(مثالی،۸۹۸ :٤٧و٤٨)

مادر لیلی او را از رفتن به مکتب باز می‌دارد و متذکّر می‌شود، که اگر سربپیچد، پدرش سر او را از تن جدا خواهد کرد. در ادامهٔ ابیات این بخش مادر لیلی وی را شماتت می‌کند؛ چرا که در مراودات اجتماعی با غیر همجنس خویش پا را از حد فراتر گذاشته و سبب سرشکستگی خانواده و قبیلهٔ خود شده است؛ ازاین‌رو، زبان به نصیحت او می‌گشاید. این بخش ازداستان در روایت نظامی نیست و تنها قسمتی که در داستان نظامی ردّ پایی از مادر لیلی دیده می‌شود، یکی در زمان مرگ وی و دیگری در انتهای بخش رفتن لیلی به تماشای بوستان است. به‌طور کلّی،

Archive of SID

www.SID.ir

نقش مادر لیلی در منظومهٔ مثالی پررنگ‌تر از منظومهٔ نظامی است. تا جایی که خبر مرگ لیلی را نیز،او به مجنون می‌رساند.

۳ -رفتن پدر مجنون به خواستگاری لیلی:

یکی از بخش‌های دیگری که از ابداعات مثالی بوده و به کلّی در داستان نظامی دیده نمی‌شود،در ماجرای رفتن پدر مجنون به خواستگاری لیلی است. در داستان مثالی، پدر مجنون، خود از دلدادگی مجنون به لیلی باخبر است و بزرگان قبیله را گرد می‌آورد و این مشکل را با ایشان در میان می‌گذارد و در نهایت، چاره این‌کار را در پیوند زناشویی می‌بینند. درحالی‌که، در داستان نظامی پدر مجنون از این واقعه مطّلع نیست و چون درپی چاره‌جویی برای رفع درد فرزند برمی‌آید، بزرگان را گرد می‌آورد و در آنجا از عشق مجنون آگاهی می‌یابد و خود را آماده رفتن به خواستگاری می‌کند.

در ادامهٔ این بخش از داستان مثالی، پدر مجنون در خواستگاری لیلی، بعد از شنیدن پاسخ منفی، برمی‌آشوبد و در پاسخ پدر لیلی می‌گوید:

گفتش به‌جواب کای خردور — قیس از غم عشق گشته ابتر
دیوانهٔ آن پری‌نهادست — دیوانگیش نه از موادست
آن شیفته را اگر بخوانی — در صحبت خویشتن نشانی
البته ز دانش و حصولش — در علم و ادب کنی قبولش

(مثالی،۸۹۸ :۵۸)

و به این‌ترتیب پدر لیلی را قانع می‌کند که مجنون در دانش و ادب کامل و تمام است و این شیفتگی و حیرانی،به سبب دلدادگی و عشق به لیلی است. پدر لیلی چون این سخن را می‌شنود، پاسخ می‌دهد:

گر نیست کج این حدیث دلکش — دختر دهمش به خاطر خوش

(مثالی،۸۹۸ :۵۸)

و تصمیم می‌گیرد تا عقل و وقار مجنون را بسنجد:

Archive of SID

www.SID.ir

چون شرط چنان شد آن جوانمرد — مجنون رمیده را طلب کرد
تا از پی وزن اعتبارش — سنجد به ترازوی وقارش
(همان)

این قسمت در داستان نظامی وجود ندارد و پس از مخالفت پدر لیلی، پدر مجنون و اهل قبیله، بی‌هیچ پرسش و پاسخی قبیلهٔ لیلی را ترک کرده و باز می‌گردند. به‌طور کلّی شخصیّت پدر لیلی در داستان مثالی منفعل‌تر و معقول‌تر به تصویر کشیده شده است. در داستان نظامی، پدر لیلی هیچ تلاشی برای دانستن دلیل سرگشتگی و شیدایی مجنون نمی‌کند و تنها با استناد به اینکه او مجنون و دیوانه است و چنین وصلتی از شئونات قبیله به دور است، خواستگاری پدر مجنون را ردّ می‌کند. نظامی با هنرمندی و درایت،در این بخش، به خوبی توانسته عصبیت عرب را ترسیم نماید.

٤ -داستان‌های فرعی:

از دیگر وجوه تمایز در منظومهٔ مثالی، آوردن سه داستان شکستن ظرف مجنون، دیدار با سگ کوی لیلی و آشیانه گزاردن مرغان بر سر مجنون است. مثالی در پایان منظومه،نظامی را می‌ستاید و از امیرخسرو نیز به نیکی یاد می‌کند:

خسرو که یگانهٔ زمان بود — مرآت صفای عاشقان بود
چون دُر سخنانش زیور تاج — صد جامی و هاتفیش محتاج
بر ابر اگر به موسم دی — خوانند کلام دلکش وی
بارد به زمین ز چرخ سرکش — از ابر به جای برف آتش
(مثالی،۸۹۸ :۲۱٦)

امّا، چنین به نظر می‌رسد که روایت جامی را نیز خوانده و در نظم این داستان‌ها از اثر ویهم بهره گرفته است. باید این مطلب را درنظر داشت،که روایت جامی از داستان لیلی و مجنون،معروف‌ترین و موفق‌ترین نظیرهٔ لیلی و مجنون در قرن نهم بوده است و بعید به نظر می‌رسد که مثالی از وجود منظومهٔجامی بی‌خبر بوده و یا بدان دسترسی نداشته است. با این‌حال،

Archive of SID

www.SID.ir

در داستان آشیانه کردن مرغان بر سر مجنون، مثالی هدفی را که جامی از بیان این داستان داشته،یعنی گذر از عشق مجازی و رسیدن به عشق حقیقی و اثبات وحدت وجود، دنبال نمی‌کند. مثالی داستان همنشینی با سگ کوی لیلی را نیز با تصرف در داستان جامی و ایجاد تغییراتی در آن، بسیار موجز و تنها در ۷ بیت آورده است.سگی که مجنون مثالی با وی همدم و همنوا می‌شود همانی است که با سگ لیلی آشنایی داشته است:

با آنکه حریف آشنا بود — با او سگ لیلی آشنا بود
مجنون چو شدی به کوی دلدار — دیدیش همیشه با سگ یار
چون دید که آشناست آن دوست — می‌داشت ورا چو مغز در پوست

(مثالی،۸۹۸: ۱٤۲)

در حالی‌که، جامی تنها سخن از یک سگ به میان می‌آورد که مجنون در مسیر رفتن به دیدار لیلی،او را در کوی لیلی می‌بیند و جامی او را «سگ آستان لیلی» معرفی‌می‌کند (جامی،۸۷٦:۱۳۳۷-۸۷۸).

داستان نبرد نوفل با قبیلهٔ لیلی نیز، با اندکی اختلاف نسبت به منظومهٔ نظامی نقل شده است.در داستان نظامی،پس از گذشتن شبی از نبرد میان نوفل و قبیلهٔ لیلی،لشکری از سواران و تیراندازان تازه نفس به قبیلهٔ لیلی می‌پیوندند و:

نوفل که سپاهی آن چنان دید — جز صلح دری زدن زیان دید

(نظامی،۱۳۸۸، الف:۱۰۰)

وچون در می‌یابد،که پدر لیلی به هیچ‌روی به ازدواج دخترش با مجنون تن نمی‌دهد، مصاف و شمشیرزدن را بی‌فایده می‌بیند. ازاین‌رو، میان دو قبیله صلح برقرار می‌گردد. در حالی که، در داستان مثالی، نوفل بر قبیلهٔ لیلی پیروز می‌شود و ایشان از وی امان می‌خواهند و نوفل در پاسخ می‌گوید:

نوفل چو شنید گفت در دم — بدهید عروس تا ببخشم

(مثالی،۸۹۸: ۹۷)

Archive of SID

www.SID.ir

امّا پدر لیلی متوسل به زاری و التماس می‌شود تا به نوفل بفهماند که چنین وصلتی به‌جز بی‌آبرویی و ننگ حاصلی نخواهد داشت:

بی عِرضی من مخواه ازین بیش — وز داوری زمان بیندیش
فرزند من اسیر دلتنگ — مرده به از آن‌که زنده در ننگ
(مثالی،۸۹۸: ۹۸)

و درنهایت:

نوفل ز حدیث همچو آبش — لب بست چو غنچه از جوابش
دانست که حق به جانب اوست — مظلوم به ظلم در، نه نیکوست
(همان)

از دیگر وجوه افتراق در داستان‌های فرعی دو منظومه، داستان «رهانیدن مجنون کبک را از دام صیّاد» در داستان مثالی است که آن را به مقابله با داستان «رهانیدن آهوان» در روایت نظامی آورده است. همچنین در بخش دیگری، داستان «رهانیدن مجنون تذرو را از دام صیّاد» به‌جای داستان «آزاد کردن گوزنان» و نیز داستان «مناظره کردن مجنون با همای» را در مقابل «سخن گفتن مجنون با زاغ» آورده است.

۵ -واکنش لیلی پس از ازدواج با ابن‌سلام:

پس از ازدواج لیلی با ابن‌سلام در روایت مثالی، لیلی به صراحت دلیل بی‌مهری‌اش را نسبت به همسرش، دل داشتن در گرو مِهر شخصی دیگر بازگو می‌کند و می‌گوید:

این خانه از آن تراست مأوا — کِش صاحب خانه نیست برجا
فردا که خدیو خانه آید — این خانه تو را وطن نشاید
دو شه به یک انجمن نگنجد — در یک جامه دو تن نگنجد[1]
(مثالی،۸۹۸: ۱۲۰)

۱- در این مصراع شاعر به‌جای دو هجای کوتاه یک هجای بلند آورده است.

Archive of SID

www.SID.ir

چنین بی‌پروایی و گستاخی در اظهار عشق به فردی دیگر، آن‌هم در حضور شوهر، با فضای داستان که در جامعهٔ قبیله‌ای عرب اتّفاق می‌افتد، در تعارض است و به نظر می‌رسد که مثالی مبالغه کرده و تصویری اغراق آمیز از جسارت لیلی نشان داده است. درحالی‌که نظامی، پس از امتناع لیلی از قبول ابن‌سلام این صحنه را تنها با ذکر یک بیت از زبان ابن‌سلام بیان می‌کند:

دانست کزو فراغ دارد جز وی دگری چراغ دارد

(نظامی،۱۳۸۸، الف:۱۲٤)

٦ -حکایت‌های فرعی:

پایان بخش اُنس گرفتن مجنون با وحوش و ددان بیابان در هر دو روایت با حکایاتی با مضمون مشابه همراه شده است.با این تفاوت که نظامی حکایت سگ و پادشاهی که غلام را طعمهٔ سگان کرده بود را بیان کرده و در مقابل، مثالی حکایت بچّه گرگی را آورده که در اثر تربیت و همنشینی با گوسفندان خوی درندگی خود را از دست داده است.

مثالی بخش‌هایی چون «نیایش کردن مجنون به درگاه خدا» و «نیایش با زهره و مشتری» را که در روایت نظامی آمده است، نیاورده و تنها به آوردن بخش «زاری کردن مجنون از درازی شب هجران» بسنده کرده است.

۷ -ملاقات مجنون با مادر خویش:

در داستان نظامی، مجنون پس از اینکه از خال خود،سلیم عامری، جویای حال نزدیکان و مادر می‌شود، سلیم از سر دلسوزی مادر را به ملاقات مجنون می‌آورد:

و آن‌گاه گرفت گریه در پیش پرسید ز حال مادر خویش...
چو دید سلیم کآن جگر ریش دارد سر مِهر مادر خویش،
بی‌کان نگذاشت گوهرش را آورد ز خانه مادرش را

(نظامی،۱۳۸۸،الف:۱۷۷)

Archive of SID

www.SID.ir

امّا در داستان مثالی، مجنون خود دیدار مادر را تقاضا می‌کند و از سلیم می‌خواهد تا مادرش را به نزد او آورد:

پرسید تمام اقربا را — بیگانه و خویش و آشنا را
درخواست نمود آن خرد ور — تا آردش از قبیله مادر
شد همچو بَریدی آن برومند — مادر طلبید نزد فرزند
(مثالی،۸۹۸ :۱٦٦)

۸ -آگاهی یافتن مجنون از وفات لیلی:

در داستان مثالی خبر مرگ لیلی را مادر او به مجنون می‌رساند:

برخاست چو آن اسیر محزون — شد جانب بزمگاه مجنون
ریزان ز سحاب دیده ژاله — بر چرخ رسانده آه و ناله
نزدیک چو شد برآن جگرریش — برداشت فغان و ناله زان بیش
مجنون ز فغان آن رمیده — از هر طرفی گشاد دیده
(مثالی،۸۹۸ :۲۰۷)

در داستان نظامی این خبر را شخصی به مجنون می‌رساند که نظامی از نام و نشان وی اطّلاع دقیقی به‌دست نمی‌دهد:

طغراکش این مثال مشهور — بر شقّه چنان نبشت منشور
کز حادثهٔ وفات آن ماه — چون قیس شکسته دل شد آگاه
(نظامی،۱۳۸۸ ،الف:۲۲٤)

«دستگردی»، مصحّح لیلی و مجنون نظامی، در توضیح ابیات این قسمت خاطرنشان می‌کند که در ابیات الحاقی نام زید جایگزین نام قیس شده است و دنبالهٔ داستان زید در این قسمت آمده است(همان:۲۲٤) پس احتمال اینکه خبر این واقعه را زید به مجنون رسانده باشد ، وجود دارد.

Archive of SID

www.SID.ir

۹ -وفات مجنون:

واقعهٔ مرگ مجنون در داستان مثالی نیز، مشابه مجنون نظامی،پس از مرثیه بر سر مزار لیلی و درخواست مجنون از خداوند برای رساندن او به دلدارش اتّفاق می‌افتد:

زین‌گونه ورق چو خواند بسیار — بگشاد زبان که ای جهاندار،
با یار خودم رسان همین دم — برهانم از این ملامت و غم
این گفت و چو گفت دوست آسان — فی‌الحال سپرد جان به‌جانان
(مثالی،۸۹۸ :۲۱۱)

و بدین ترتیب داستان مثالی با این دو بیت به پایان می‌رسد:

مجنون چو گذشت ازین گذرگاه — زو خلق شدند جمله آگاه
رفتند و بسی دریغ خوردند — در پهلوی لیلیش سپردند
(همان:۲۱۳)

بخش‌های دیگری چون: «آگاهی قبیلهٔ مجنون از وفات وی»، «به خواب دیدن زید لیلی و مجنون را» و «ملاقات مجنون با سلام بغدادی» که نظامی به تفصیل در منظومهٔ خود آورده در داستان مثالی وجود ندارد.

۱۰ -پرداخت شخصیّت‌های فرعی داستان:

یکی از شخصیّت‌هایی که در داستان مثالی به مراتب پررنگ‌تر از داستان نظامی ظاهر می‌شود، شخصیّت سلیم عامری است. نخستین ظهور سلیم در روایت مثالی، در بخش نامه نوشتن لیلی به مجنون است که شاعر او را به‌عنوان واسطهٔ رساندن نامهٔ دو دلداده به یک دیگر نشان داده است. در حالی‌که، نظامی از شخص رسانندهٔ نامه و پیغام لیلی و مجنون به یکدیگر نامی به‌میان نمی‌آورد و تنها او را با عبارت «سوار تازی» توصیف می‌کند. (نظامی،۱۳۸۸، الف:۱۵۹) مثالی برخلاف نظامی، سلیم را دایی مجنون معرفی نمی‌کند و تنها اشاره می‌کند که وی از بستگان مجنون بوده است:

از راوی قصّه نقل موزون — کرد از متعلّقان مجنون

Archive of SID

www.SID.ir

کـــز عامریـــان ســـلیم نـــامی در راه ســـــــلامتش مقـــــامی
(مثالی،۸۹۸ :۱۶۳)

علاوه براین، سلیم واسطهٔ ملاقات لیلی و مجنون با یک دیگر نیز هست:

مـــرد گـــذری چـــو گشـــت آگـــه بـــر حالـــت بیـــدلی آن مَـــه
گفـــتش مـــنم آنکـــه در فـــلان راه بـــردم ز تـــو نامـــه نـــزد دلخـــواه
(مثالی،۸۹۸ :۱۷۲)

و درابیات بعد که سلیم، مجنون را به‌نزد لیلی می‌آورد، مثالی او را آشکارا سلیم معرّفی می‌کند:

نزدیـــک وی آن نهـــال دلبنـــد بنشســـت ز دور گـــامکی چنـــد
پرســـید ســـلیم از آن وفـــادار کـــای همبـــر یـــار و دور از اغیـــار
از بهرچـــه ای رفیـــق پـــر نـــور گشـــتی چـــو قـــرین نشســـتی از دور؟
(همان:۱۷۵)

خبر مرگ ابن سلام را نیز سلیم عامری به مجنون می‌رساند و مثالی در این مورد صفت «زبان دراز بودن» را به سلیم نسبت می‌دهد:

کـــان روز کـــه مُـــرد شـــوی آن مـــاه گردیـــد ســـلیم عـــامر آگـــاه
از جـــرم زبـــان‌درازی خـــویش برجســـت و گرفـــت راه در پـــیش
تـــا مجنـــون را زغـــم نـــوازد[1] از مـــرگ رقیـــب شـــاد ســـازد...
کـــان ابـــر کـــه بـــود ازو حجابـــت شـــد دور ز پـــیش آفتابـــت
(همان:۱۸۸)

در داستان نظامی این واقعه را زید به گوش مجنون می‌رساند.در هر دو داستان واکنش مجنون مشابه است و با الفاظی یکسان بیان گردیده است (نظامی،۱۳۸۸ ،الف:۲۰۸ومثالی:۱۸۹).

۱ - در این مصراع نیز، شاعر به‌جای دو هجای کوتاه یک هجای بلند آورده است.

Archive of SID

www.SID.ir

در بخش رسیدن لیلی و مجنون به یک‌دیگر، بازهم مثالی، سلیم را عامل و پیوند این ملاقات معرّفی می‌کند که به خواهش لیلی به جستجوی مجنون رفته و او را برای ملاقات با لیلی خبر می‌کند. در داستان نظامی واسطهٔ این ملاقات زید است (نظامی،۱۳۸۸ ،الف:۲۱۰).

در مجموع با اینکه شخصیّت سلیم در داستان مثالی نسبت به نظامی پررنگ‌تر ظاهر شده است، امّا نظامی حضور وی را در لحظاتی از داستان رقم زده که از اهمّیّت بیشتری برخوردار است وحضور فردی از نزدیکان مجنون هم به‌لحاظ عاطفی و هم به‌لحاظ عقلانی موجّه‌تر به‌نظر می‌رسد؛ لحظاتی چون ملاقات با مجنون و آوردن مادر وی و یا رساندن خبر مرگ مادر مجنون به او. در مقابل صحنه‌هایی که مثالی، سلیم عامری را در آن دخیل کرده است، عبارت است از: راوی ملاقات دو دلداده بودن یا رساندن نامه‌های آنان به یک‌دیگر.

ویژگی‌های زبانی و صورخیال

زبان مثالی در بخش‌های مختلف منظومه، ساده، روان و عاری از تکلف و تفنّن ادبی است. این سادگی و روانی در زبان شاعر نه تنها در بخش‌های اصلی منظومه که داستان است و مسلماً بیانی روشن و ساده را می‌طلبد دیده می‌شود،بلکه در بخش‌های آغازین آن نیز به چشم می‌خورد.کاربرد زبان ساده و روان ،پیش از مثالی نیز در آثار پیشگامان نظم منظومه‌های داستانی از جمله: نظامی، امیرخسرو و جامی مرسوم و باب بوده است.در این زمینه نیز، مثالی به نظامی تأسّی جسته است. کاربرد صناعات بدیعی در داستان مثالی زیاد نیست. از جمله صناعات به کار رفته در منظومهٔ لیلی و مجنون مثالی کاشانی می‌توان به: تلمیح، مراعات النّظیر، اغراق- که چندان قوی نیست و تصویر تازه‌ای در خود ندارد- ، لفّ و نشر، انواع جناس، تصدیر، پارادوکس، ارسال مثل، تضادّ و ایهام تناسب اشاره کرد. در منظومهٔ نظامی نیز از صناعاتی نظیر: جناس، موازنه، ترصیع، تضادّ، تلمیح، حسن تعلیل، ایهام و ایهام تناسب بهره گرفته شده است.

صور خیال نیز با توجّه به رایج‌ترین ویژگی منظومه‌ها که وصف می‌باشد و لازمهٔ آن استفاده از صورخیال است، در هر دو منظومه فراوان به‌کار رفته است. زبان نظامی، زبانی است پرمایه، خوش آهنگ و سرشار از تصویرهای خیال‌انگیز که به مدد مقولات علم بیان، زیباتر و

Archive of SID

www.SID.ir

خیال‌انگیزترشده است. نظامی انواع مختلف صورخیال را به‌کار بسته که از این میان استعاره‌ها سهم بیشتری را به‌خود اختصاص داده‌اند. نظامی استاد مسلّم توصیف و تصویرگری است و کمتر کسی توانسته است در این عرصه هم پای او حرکت کند. منظومهٔ مثالی نیز از این ویژگی مستثنی نیست. با توجّه به اینکه یکی از بارزترین ویژگی‌های منظومهٔ مثالی ایجاز و اختصار مطالب و داستان‌هاست؛ این اجمال به‌ویژه در توصیفات و تصاویر سبب شده است که این منظومه فاقد ظرافت‌های توصیفی و بیانی نظامی باشد. با این وجود، مثالی گاه به مدد تشبیه توانسته تصاویری خلق کند که زیبا و ظریف است:

از ضرب تپانچه بر جبینش بر داد بنفشه یاسمینش
(مثالی،۸۹۸ :۲۰۳)

مانند سبو ز درد و ماتم بر فرق نهاد دست از غم
(همان:۱۲٦)

از تابش آفتاب انور انگشت شده ز پای تا سر
(همان:۱۲۷)

از صورخیال نیز، انواع تشبیه و کنایه بیشترین بسامد را در منظومهٔ مثالی دارا هستند و استعاره و مجاز به‌ترتیب دارای کمترین بسامد می‌باشند. نقل کنایه‌ها که به‌وفور در شعر مثالی دیده می‌شود در موارد اندکی دارای تازگی و کاربردی نو می‌باشد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

به هم رسیدن کار: کنایه از مهیا شدن و جفت و جور شدن

زان رو که اگر به هم رسد کار ای وای به من ز طعن اغیار
(مثالی،۸۹۸ :۵۷)

رخ از چیزی برتافتن: کنایه از روی گرداندن از کاری

Archive of SID

www.SID.ir

از وصل چو بهره‌ای نمی‌یافت آخر رخ از آن مقام برتافت
(همان:۵۰)

پرده از رخ راز باز کردن: کنایه از آشکار کردن راز

وا درد که روزگار ناساز کرد از رخ راز پرده را باز
(همان:٤٦)

شکسته شدن صدف: کنایه از مُردن

تا چون صدفم شکسته گردد وز محنت درد رسته گردد
(همان:۱۳۰)

علاوه براین، مثالی گاه از تعبیراتی بهره می‌گیرد که در زبان عامیانه کاربرد دارد. تعبیراتی نظیر:به رو نیاوردن، چون خر گرفتار علف‌خوری بودن، رو نمودن ستارهٔ طالع، دیدار به قیامت افتادن و... .

ساخت و کاربرد ترکیبات بدیع

از دیگر ویژگی‌های منظومهٔ لیلی و مجنون مثالی «ترکیب سازی» و آوردن واژه‌هایی نو و بدیع می‌باشد. با توجه به خاصیّت ترکیبی زبان فارسی، بسیاری از چهره‌های برجستهٔ سخن فارسی، هریک به تناسب حال و محتوای اثر خویش،با ساختن ترکیب‌های جدید، واژگان تازه‌ای را در اثر خود وارد کرده و به‌این‌صورت، هم بر غنای اثر افزوده و هم زبانی مخصوص به خود آفریده‌اند. نظامی در زمرهٔ کسانی است که سهم بزرگی در این زمینه دارد و با ابداع ترکیباتی جدید استادی خویش را در این حوزه نیز به اثبات رسانده‌است. نمونه برای این ترکیبات خاصّ در اشعار نظامی فراوان دیده می‌شود. ترکیباتی چون: «مرسله‌پیوند»، «پرورش‌آموز»، «روزبرآرنده» (نظامی،۱۳۸۸، ب:۵) «مادگانه»، «دانش‌آباد»، «محنتستان» (همان،۱۳۹۱: ۱٤۷و۲۰۲و۲٦٤) «ریگ‌زاده»، «پیام‌گونه»، «سیم‌خدا»، «گره‌ناک» و«ماتم‌زدگانه» (همان،۱۳۸۸، الف: ٦۲و۸٤و۹۰و۱۷۹و۱۸۰).

Archive of SID

www.SID.ir

مثالی کاشانی نیز از این خاصیّت سود جسته و ترکیب‌های تازه‌ای به جای کلمات متداول به‌وجود آورده و به کار گرفته است.

- اهل دید به معنی با بصیرت و دانا

آن شخص که او از اهل دیدست — داند که خرد ازو بعیدست
(مثالی،۸۹۸ :۹۹)

- جرم کار به معنی گناهکار

از بخشش تو امیدوارم — چون معترفم که جرم‌کارم
(همان:۱۳۸)

- حربگاه به معنی میدان نبرد

آورد به حرب‌گاه آهنگ — با لشکر همچو کُه گران‌سنگ
(همان:۹٤)

- درخواه کردن به معنی درخواست کردن

این لحظه برو به سوی خاکش — درخواه کن از روان پاکش
(همان:۱۳٦)

- قید گشتن به معنی گرفتار شدن

در دام زمانه قید گردند — در چنگل باز صید گردند
(همان:۸۳)

ویژگی‌های دستوری

یکی از وجوه قابل‌توجّه هر اثر ادبی، ویژگی‌های دستوری و کاربرد آن‌ها می‌باشد؛ آن چنان‌که هر شاعر توانا، گاه با استفاده از این ویژگی‌ها می‌تواند سبکی مخصوص به‌خود به وجود آورد.منظومه‌های داستانی نیز، از این ویژگی مستثنی نیستند. پیرامون ویژگی‌های دستوری دو منظومهٔ مورد بررسی، نکات زیر را می‌توان ذکر کرد:

Archive of SID

www.SID.ir

۱ -برخی از ویژگی‌های دستوری در لیلی و مجنون نظامی

- استفاده از افعال کهن

چون بر کف او ترنج دیدند از عشق چو نار می‌کفیدند

(نظامی،۱۳۸۸،الف:۵۵)

- استفاده از واژه‌های غریب و نامأنوس

شد قیس به جلوه‌گاه غنجش نارنج رخ از غم ترنجش

(همان)

- جدا آوردن جزء منفی فعل در افعال نفی

توفیق تو گر نه ره نماید این عقده به عقل کی گشاید؟

(همان:۵)

- متمّم با دو حرف اضافه

شد بی‌تو به خلق بر مروّت بربسته‌تر از در نبوّت

(همان:۱٤)

۲ -ویژگی‌های دستوری در داستان مثالی

- استفاده از صفت عالی به‌جای صفت برتر

دریاب که غیر ازین ده پست آبادترین ولایتی هست

(مثالی،۸۹۸ :۲۰۵)

- استفاده از کلمات غریب و مهجور

غلطید به‌خاک آن جگر چاک گردید طپان چو کشته بر خاک

(همان:۱۲۲)

-آوردن اسم جمع در مقام مفرد

آب سخنش چو جان شیرین جاری‌ست به نهر هر شرایین

(همان:۲۱٤)

Archive of SID

www.SID.ir

- آوردن اسم فاعل در مقام صفت فاعلی

دانند که این سپهر دایر از چیست به گرد نقطه سایر؟

(همان:۱۳)

- آوردن ضمیر شخصی به‌جای ضمیر اشاره (ذی‌روح برای غیر ذی‌روح)

زین کوچهٔ تنگ پر ملامت نگذشت کسی ازو سلامت

(همان:۳۵)

- جدا آوردن جزء منفی فعل در افعال نفی

تنها نه من این بلا خریدم وین نامه بخت را دریدم

(همان:٦٦)

- کاربرد حرف اضافه «با» به‌جای «به»

نزدیک‌تری تو با من از جان از دیده ولیک گشته پنهان

(همان:۳)

- کاربرد فعل امر با پیشوند «می» به جای «ب»

می‌خند ز گریه‌ات دو چندان وین دشمن چند را مخندان

صبری به هزار چاره می‌کن وز خلق جهان کناره می‌کن

(همان:۱٥٦)

Archive of SID

www.SID.ir

نتیجه‌گیری

۱- نظامی گنجه‌ای، استاد مسلّم منظومه‌سرایی، به ویژه داستان‌های عاشقانه در ادب فارسی است. نوآوری و مقبولیّت نظامی، در دوره‌های بعد، به ویژه قرون نهم و دهم سبب گسترش شیوهٔ نظیره‌گویی و خلق آثار متعدّدی به پیروی از وی شد.

۲- هم به لحاظ زیبایی و لطف کلام نظامی و هم به جهت استادی او در توصیف، کمتر کسی توانسته است در امر نظیره‌گویی بر خمسهٔ او، توفیق تمام و کمال یابد.

۳- یکی از پیروان نظامی که در این راه گام برداشت، «مثالی کاشانی» از شعرای کم نام و نشان قرن نهم و دهم هجری است که منظومه‌ای تحت عنوان «لیلی و مجنون» به اقتفای داستان لیلی و مجنون نظامی ترتیب داده است.

٤- مثالی پیرو نظامی بوده و در منظومهٔ خود از وی یاد کرده واو را به نیکی ستوده است. او داستان خود را در بیان وقایع و حوادث بسیار نزدیک به داستان نظامی پرداخته است و تنها در بخش‌هایی از داستان، پاره‌ای تغییرات به‌چشم می‌خورد. برای نمونه، شخصیّت‌هایی چون مادر لیلی و سلیم عامری نسبت به داستان نظامی، پررنگ‌تر به تصویر کشیده شده‌اند.

۵ - منظومهٔ مثالی نسبت به داستان نظامی موجزتر است و این ایجاز به‌ویژه در توصیفات و تصویرسازی‌ها، ضعف مثالی را درمقابل نظامی که در توصیف،حقّ مطلب را ادا کرده است، بیشتر نمایان می‌کند. از میان صورت‌های خیال، مثالی تشبیه را بیش از انواع دیگر به‌کار برده و گاهی به مدد آن تصاویر زیبایی به‌وجود آورده است.

٦- مثالی به اعتبار اینکه اثرش تقلیدی صرف از نظامی نباشد و تا حدودی از نظامی فاصله بگیرد، داستان‌هایی چون «شکستن ظرف مجنون»، «دیدار با سگ کوی لیلی» و «آشیانه گزاردن مرغان بر سر مجنون» را در اثر خود وارد کرده است. داستان‌های یاد شده در منظومهٔ لیلی و

Archive of SID

www.SID.ir

مجنون شاعر هم عهد مثالی، یعنی جامی نیز، به‌چشم می‌آیند که به نظر می‌رسد وی از روایت جامی باخبر بوده و احتمالاً آن‌را خوانده است.

۷- در مجموع می‌توان گفت که مثالی با سرایش این منظومه، توانست تلفیقی از دو روایت مهمّ و معروف لیلی و مجنون به‌وجود آورد که البتّه، به جهت کمبود ظرافت‌های بیانی و توصیفی و نیز تقلیدی بودن آن، نسبت به آثار نظامی و جامی در سطح نازل‌تری قرار دارد.

Archive of SID

www.SID.ir

فهرست منابع و مآخذ

۱ – تقی‌الدّین محمّد، (۱۳۸۸)،**تذکرهٔ عرفات العاشقین و عرصات العارفین**، (ج٦)، مقدّمه و تصحیح سیّدمحسن ناجی نصرآبادی،تهران،اساطیر.

۲ – جامی، عبدالرّحمن، (۱۳۳۷)، **هفت اورنگ**، تصحیح و مقدّمه آقا مرتضی مدرّس گیلانی، تهران، کتاب‌فروشی سعدی.

۳ – خزانه‌دارلو، محمّدعلی، (۱۳۷۵)، **منظومه‌های فارسی**، تهران، روزنه.

٤ – خیّام‌پور،عبدالرّسول، (۱۳۹۳)، **فرهنگ سخنوران**، تهران، طلایه.

۵ – ذوالفقاری،حسن، (۱۳۹۲)، **یک‌صد منظومهٔ عاشقانهٔ فارسی**، تهران، چرخ.

٦ – رادفر، ابوالقاسم، (۱۳۷۱)، **کتاب‌شناسی نظامی گنجوی**، تهران، مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

۷ – رزمجو، حسین، (۱۳۷۲)، **انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی**، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ دوم.

۸ – ریپکا،یان، (۱۳۸۳)، **تاریخ ادبیّات ایران**، (ج۱)، ترجمهٔ دکتر ابوالقاسم سرّی، تهران، سخن.

۹ – زرّین کوب، عبدالحسین، (۱۳۷۲)، **پیر گنجه در جستجوی ناکجا آباد**، تهران، سخن.

۱۰ سام میرزا صفوی، (بی‌تا)، **تذکرهٔ تحفهٔ سامی**، تصحیح و مقدّمه از رکن‌الدّین همایون‌فرخ، تهران، انتشارات علمی.

۱۱ شهابی، علی اکبر، (بی‌تا)، **نظامی شاعر داستان‌سرا**، تهران، کتابخانهٔ ابن‌سینا.

۱۲ صفا، ذبیح‌الله، (۱۳٦٤)، **تاریخ ادبیّات در ایران**، (ج٤)، تهران، فردوس، چاپ سوم.

۱۳ مثالی کاشانی، (۸۹۸ ه.ق)، **لیلی و مجنون**، نسخهٔ خطی به شماره ۱۱۷۱، تهران، مجلس شورای اسلامی.

۱٤ مکتبی شیرازی، (۱۳۸۹)، **لیلی و مجنون**، تصحیح دکتر حسن ذوالفقاری و پرویز ارسطو، تهران، چشمه.

Archive of SID

www.SID.ir

۱۵ -نظامی گنجه‌ای، (۱۳۸۸ الف)، **لیلی و مجنون**، تصحیح و حواشی حسن وحیددستگردی، تهران، زوّار، چاپ دوم.
۱٦ -_____ ، (۱۳۸۸ب)، **مخزن الاسرار**، تصحیح و حواشی حسن وحیددستگردی، تهران، زوّار، چاپ دوم.
۱۷ -_____ ، (۱۳۹۱)، **هفت پیکر**، تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، تهران، قطره، چاپ یازدهم.
۱۸ -میرنظام‌الدّین علی‌شیر، (۱۳٦۳)، **تذکرهٔ مجالس النّفائس**، به سعی و اهتمام علی‌اصغر حکمت، تهران، کتابخانهٔ منوچهری.
۱۹ -واله داغستانی، علی قلی، (۱۳۸٤)، **تذکرهٔ ریاض‌الشعراء**، (ج٤)، مقدّمه و تصحیح سیّدمحسن ناجی نصرآبادی، تهران، اساطیر.

Archive of SID

www.SID.ir